خروج رئیس مجلس از دور رقابت‌ها؛ بازی انتخاباتی یا تصمیم قطعی؟

جایگزین قالیباف کیست؟

اگر ادعای محسن پیرهادی، درست باشد و برخلاف برخی شایعات و اخبار حکایت‌های پشت پرده نداشته باشد، کار برای اصولگرایان سخت خواهد شد. دو چهره مطرح و پرشانس اصولگرایی به فاصله کوتاهی کنار رفته‌اند و حالا پیداکردن فرد یا افرادی با این میزان اجماع روی آنها کار بسیار سختی است. پیرهادی خبر از عدم تمایل و تصمیم رئیس مجلس برای ورود به رقابت‌های انتخاباتی ۱۴۰۰ داده است. ادعایی کمی عجیب و برخلاف همه انتظارات از مشی غایی سیاسی قالیباف، به‌ویژه سکنات تاکتیکی یک سال اخیرش. عضو سابق شورای شهر و چهره نزدیک به قالیباف که با او به مجلس رفت و عضو هیئت‌رئیسه مجلس شده به فارس گفته است: آقای قالیباف در پاسخ به درخواست برخی نمایندگان برای نامزدی وی در انتخابات ۱۴۰۰ گفته است که با توجه به شرایط حساس کشور و مشکلات اساسی مردم، مهم‌ترین موضوع، پیروزی جبهه انقلاب و تشکیل دولتی کارآمد به منظور حل مشکلات مردم است. آقای قالیباف ضمن اینکه تمرکزشان را معطوف به وظایف خود در مجلس کرده‌اند، تأکید دارند که بنای کاندیداتوری در انتخابات را ندارند و می‌گویند همه نیروهای انقلاب موظف هستند تلاش کنند تا هرچه سریع‌تر با وحدت، تمام ظرفیت‌های خود را متمرکز بر موفقیت گزینه واحد کنند. برداشت و استنباط من از سخنان آقای قالیباف این است که با افزایش احتمال حضور آیت‌الله رئیسی، آقای قالیباف تصمیم به عدم کاندیداتوری گرفته است و آمادگی کمک به ایشان را دارد. برخی اخبار پشت پرده حکایت از این دارد که بین نزدیکان قالیباف اختلاف افتاده و این ادعای نیامدن قالیباف هم یا با هدف خالی نشان‌دادن صحنه برای جلب توجه یا فشار به رقیب بوده است یا تاکتیکی برای دورکردن اذهان از قالیباف در ماه‌های مانده به انتخابات تا او کمتر زیر ضرب و فشار باشد. دیروز هم علی مطهری درباره نامزدی قالیباف در انتخابات گفته است: «ایشان از مردم برای مجلس رأی گرفته است برای چهار سال آینده. بهتر است این کار را به پایان برساند. اینکه وارد انتخابات ریاست‌جمهوری شود بی‌احترامی به مردم است». این ایده صرفا علی مطهری نیست و حتی بسیاری از اصولگرایان به‌خصوص تیم مخالف قالیباف هم چنین نگاهی دارند؛ به‌ویژه آنها که در ابتدای کار مجلس بحث میثاق‌نامه را مطرح کردند. جبهه پایداری که حتی در ابتدا مخالف حضور شهردار سابق تهران در فهرست اصولگرایان تهران برای مجلس بود، به دنبال این بود که بلندپروازی قالیباف را کنترل کند؛ میثاق‌نامه‌ای تهیه کرده بود که نامزدهای ریاست مجلس با امضای آن حق ورود به انتخابات ریاست‌جمهوری را نداشتند و باید چهار سال نمایندگی خود را به پایان می‌بردند. میثاق‌نامه‌ای که البته قالیباف نه‌تنها آن را امضا نکرد بلکه اصولا در جلسات مرتبط با آن هم شرکت نکرد. اما در صورتی که خبر نیامدن رئیس فعلی مجلس به کارزار انتخابات ۱۴۰۰ درست باشد، اوضاع برای اصولگرایان بسیار پیچیده می‌شود. همان‌طور که ضرغامی گفته اتوبوس نامزدها به راه می‌افتد و شورای نگهبان با انبوهی از شخصیت‌های طراز اول اصولگرای احساس تکلیف کرده، روبه‌رو می‌شود. در صورت تأیید اکثریت آنها انتخابات آتی یکی از پرنامزدترین رقابت‌های ریاست‌جمهوری، به‌ویژه در جریان اصولگرایی می‌شود و بسیار محتمل است که کار انتخابات به علت پخش‌شدن آرا بین نامزدهای اصولگرایی و به‌دست‌نیامدن حدنصاب، به مرحله دوم بکشد. ناصر ایمانی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر اصولگرا پیش‌تر گفته بود: «اگر اصولگرایان با چند نامزد هم‌تراز حضور پیدا کنند، قدر مسلم تعدد نامزد بیشتر خواهد شد، اما اگر یک نامزدی حضور پیدا کند که از سایرین بالاتر باشد، اجماع روی این فرد می‌توان محتمل باشد، اگر سایر نامزدهایی که مطرح هستند، حضور داشته باشند، بعید است که اجماعی روی آنها صورت بگیرد و شاهد تعدد نامزدها خواهیم بود». سعید جلیلی، مهرداد بذرپاش، علیرضا زاکانی، علی نیکزاد، محمد قمی، سعید محمد، عزت‌الله ضرغامی، محسن رضایی و حسین دهقان از گزینه‌هایی هستند که حالا در این فضا باید منتظر رقابتشان باشیم. اگرچه درباره برخی از این چهره‌ها که مشخصا اعلام نامزدی رسمی کرده‌اند، پالس‌های لزوما مثبتی از سوی اصولگرایان شنیده نمی‌شود. مثلا روزنامه جوان روز شنبه در مطلبی در واکنش به حسین دهقان نوشته است: «وزیر سابق دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از معدود افرادی است که کاندیداتوری خود را در انتخابات ۱۴۰۰ به‌طور رسمی در اظهارنظرها و مواضع اعلام کرده و به‌طور طبیعی برنامه‌ها و تحرکات انتخاباتی را نیز در دستور کار قرار داده است. بدیهی است که او به عنوان یک شهروند ایرانی واجد شرایط این حق را دارد که خود را در معرض رأی ملت ایران قرار دهد و در انتخابات ۱۴۰۰ برنامه‌هایش را در معرض رأی و داوری ملت قرار دهد. تا اینجای کار اقدامات غیررسمی او در صورتی که مغایرتی با قانون انتخابات نداشته باشد، بلااشکال است؛ اما اشکال وارد به کمپین تبلیغاتی آقای دهقان، استفاده مکرر از عنوان مشاورت رهبری در اخبار و مصاحبه‌های منتشرشده از وی است. این در حالی است که استفاده از این عنوان برای تحرکات انتخاباتی و مسائل خارج از مأموریت‌های مرتبط با عنوان مشاورت، برخلاف ضوابط است. حال آنکه این اقدام برخلاف نظر آقای دهقان در جریان است، بنابراین انتظار می‌رود وی از ادامه این روند جلوگیری کند و اجازه سوءاستفاده از عنوان مرتبط با رهبری را برای استفاده شخصی خود ندهد».

عکس: علی خارا، مهر

در سیاست آرمان‌گرایی خطاست

ادامه از صفحه ۲

آیا اگر یک جناح در انتخابات برنده شد حق دارد تمام پست‌های مدیریتی و فنی کشور را با سلیقه‌های سیاسی خودش بچیند؟ به نظرم من حق ندارد. پست‌های سیاسی محدود هستند. شما یک رئیس‌جمهور دارید، وزرا، استانداران و تعدادی از سفرا، تعدادی از معاونان وزرا را دارید و به نظرم تعداد پست‌های سیاسی ایران بیشتر از صد پست نیست، اما گاهی دامنه تغییرات به چند هزار مورد می‌رسد. مثلا معاونت بهداشت وزارت بهداشت و درمان، معاونت زراعت وزارت کشاورزی، معاونت راهسازی وزارت راه و شهرسازی، پست‌های سیاسی نیستند. دولت جدید همه را بر اساس سلایق خودش می‌چیند که خطاست. اثرگذاری سیاست در مدیریت‌های فنی باید حداقل باشد. حتی به نظرم وزیر آموزش‌وپرورش شما بیش از آنچه تابع شاخص‌های سیاسی شما باشد، باید خودش و تیمش مسلط به علوم تربیتی باشند. تغییرات پی‌درپی، وسیع و گسترده در بدنه کارشناسی کشور، ضایعه‌ای است که در دولت آقای احمدی‌نژاد به اوج رسید. در دولت دوم آقای احمدی‌نژاد همه تجربه کشور از نو تجربه شد. همین کاری که الان در مجلس یازدهم شاهدش هستیم که از نو تجربه می‌کنند. درباره بودجه دیدید چه اتفاقی افتاد. اینها مسائلی است که با آنها مواجه هستیم. دولت آقای روحانی را ادامه دولت‌هایی می‌دانم که به مسائل کشور عمدتا سیاسی نگاه می‌کنند تا فنی. حتما سیاست مهم‌ترین رکن شکل‌دهنده دولت است، اما نگاه دولت نمی‌تواند به مسائل فنی کشور، سیاسی باشد. من در مجموع به دولت نمره ۱۲ می‌دهم.

در حوزه اقتصادی چطور؟

در حوزه اقتصادی مشکل دولت عمدتا در خارج از کشور اتفاق افتاد. در این زمینه به نظرم دولت اقتصاد ایران را خوب اداره کرد. با فشاری که به اقتصاد ایران آمد، قرار نبود با تورم ۴۵ درصد عبور کنیم و اصلا بمانیم. فشاری که آقای ترامپ به ایران به‌عنوان فشار حداکثری آورد، اولین تجربه یک تحریم سنگین و شکننده بین‌المللی بود. هیچ‌کس در ایران و جهان تصور نمی‌کرد یک دولت به نام دولت آمریکا می‌تواند به‌تنهایی و بدون داشتن مصوبه شورای امنیت این‌گونه اقتصاد یک کشور را در فشار قرار دهد که روسیه و چین همراهی نکنند؛ حتی اتحادیه اروپا با وجود اینکه اراده سیاسی بسیار محکمی داشت که با ایران کار کند، نتوانست یک نهاد مالی درست کند که بتوانیم دارو و غذا بخریم. متأسفانه چون آقای روحانی روابط‌عمومی خوبی ندارد و تیمش هم محبوب مردم نیستند، ظلمی در افکار عمومی علیه دولت شکل گرفته؛ درحالی‌که این دولت با این فشار سنگین بین‌المللی، اقتصاد را خوب اداره کرد. اینکه توانستیم با تورم ۴۵ درصد از این کار سخت عبور کنیم، بسیار موفقیت‌آمیز است. البته بخشی کارهای دولت بود، بخش مهمی صبوری مردم بود، با اینکه در دو سال هزینه زندگی‌شان سه برابر شد، سفره‌ها کوچک شد، اجاره‌نشین‌ها به‌شدت در فشار قرار گرفتند بسیار صبورانه رفتار کردند. ما هم به نوبه خود خیلی شرمنده مردم شدیم اما کاری نبود که دست کسی باشد، احمقی در دنیا پیدا شده بود که این ظلم را به مردم ایران روا داشت. صبوری مردم قابل تقدیر است و باید در هر جلسه‌ای از صبوری مردم ایران تجلیل شود. مورد سوم مربوط به کارهایی است که در زمان آقای هاشمی و خاتمی در غرب برای صنایع معدنی، فولاد، مس و پتروشیمی شده بود. صنعت پتروشیمی و صنایع معدنی ایران دو ستون محکم در مقابل نبود یک ستون مهم به نام نفت شدند. اگر این دو سرمایه‌گذاری از قبل انجام نشده بود و چندده میلیون تن پتروشیمی و فولاد و مس نبود، ایران مثل ونزوئلا دچار تورم‌های دو هزار درصد می‌شد.

شما معتقدید تحریم‌ها نقش بسیاری داشت؟ چون بحث تحریم را در دوره‌های قبل هم داشتیم.

در تحریم شورای امنیت سازمان ملل که در زمان آقای احمدی‌نژاد اعمال شد، کف صادرات نفت ما یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه بود. زمانی که قرار شد شرایط علیه ایران خیلی سخت شود، می‌گفتند قرار است نفت در مقابل غذا داده شود؛ یعنی فقط نفت به اندازه مواد غذایی بفروشیم. این‌بار صادرات نفت ما به ۷۰ هزار بشکه رسید و پول‌هایش برنگشت. پول‌ها در ژاپن، کره و عراق هنوز قفل است. این تحریم با همه تحریم‌هایی که در تاریخ بشر تا به حال تجربه شده متفاوت بوده است.

در صحبت‌هایتان به غرب‌ستیزی اشاره کردید که هنوز هم ادامه دارد. این اتفاق چقدر برای ما مفید فایده بوده و در ایدئولوژی و سیاست خارجی ما چه نقشی داشته است؟

شخصا فکر می‌کنم شروع غرب‌ستیزی در ایران کاملا طبیعی بوده است. در دهه ۵۰ که انقلاب شد و دهه ۶۰ که انقلاب اسلامی مستقر شد به‌طور طبیعی در عکس‌العمل مردم ایران به خاطر فجایعی که غرب قبلا در ایران انجام داده بود، این غرب‌ستیزی وجود داشت. این نگاه با توجه به دخالت‌هایی که در ایران از سوی انگلیس و آمریکا انجام شده بود طبیعی بود، اما کم‌کم به یک خصلت ثانویه تبدیل شد.

زمانی ناتو و آمریکایی‌ها به‌طور مشخص دو کار در منطقه ما کردند که برای ما خیلی خوب بود. در شرق ایران، طالبان را سرنگون کردند و کابل را به دست متحدین ما سپردند و به عنوان کار دوم در غرب ایران صدام را سرنگون کردند؛ یکی از کسانی که به ما خیلی لطمه زد و جوانان برومندی از ما را به شهادت رساند، شهرهای ما را بمباران کرد و هزار میلیارد دلار به ایران ضربه زد، صدام بود. حزب بعث خیلی با ایران دشمن بود. الان عراق دست اکثریت شیعه است که متحد طبیعی و تاریخی ایران هستند. من فکر می‌کردم بعد از این دو اقدام می‌توانیم با غرب آتش‌بس بدهیم و غرب‌ستیزی را کم‌رنگ کنیم و فرصت دهیم که در یک روابط عادلانه جلو برویم. من کسی هستم که همچنان با هر نوع مداخله خارجی در امور ایران مخالف هستم، همان‌طور که ما هم در جایی نباید مداخله کنیم. زمان آقای احمدی‌نژاد دبیر اول سفارت انگلیس یک بار به دفتر من آمد و من آنجا به او گفتم می‌شود به آقای بوش بگویید کدام اصلاح‌طلبی در ایران از شما خواسته از آنها حمایت کنید که گفته‌اید از کرانه باختری رود اردن تا ایران از اصلاح‌طلبان حمایت می‌کنیم؟ مگر آقای خاتمی را شما رئیس‌جمهور اعلام کردید؟ مگر یادتان رفته نیک براون با جواد لاریجانی جلسه ملاقات گذاشت و ما خبر را دادیم، چند میلیون رأی از رقیب آقای خاتمی گرفت؟ شما در ایران رأی منفی دارید نه مثبت.

بنابراین من قاطع هستم که کسی نباید در مسائل ایران مداخله کند، اما دلیلی ندارد روابطمان همیشه با غرب محدود باشد. اگر سیاست‌گذار باشم این سیاست را می‌پسندم که شرق یا غرب، هرکس در روابطش منافع بیشتری برای ملت و کشور ما منظور کرد، با او کار کنیم. دلیلی ندارد بهترین تکنولوژی را از غرب نگیریم یا گران بگیریم. ما غرب و شرق را باید کاملا به رقابت دچار کنیم و منافع ملی خودمان را مدنظر قرار دهیم. شاید بتوان کم‌کم این تعبیر را پذیرفت که ادامه غرب‌ستیزی، ایران‌ستیزی است.

به راه‌حل دولت اشاره کردید. اجازه دهید کم‌کم وارد بحث انتخابات شویم که چند ماه بیشتر نمانده است. شما و حزب کارگزاران بیشتر معتقد به کاندیدای نیابتی هستید.

اصلا این‌طور نیست. در سیاست همیشه متناسب با مصالح و امکاناتی که در اختیار داریم باید این سرپناه را بسازیم. تصور اینکه سیاست میدان آرمان‌خواهی است، درست نیست. ممکن است شما ترجیحاتی داشته باشید که کاندیداهایتان را بر اساس اولویت و ترجیحات ردیف کنید. ولی در صحنه سیاسی گاهی اوقات رأی ندارید، گاهی رأی کم است، گاهی می‌خواهید ائتلاف کنید. کاندیدای نیابتی معنا ندارد. ما تصمیم گرفتیم از آقای روحانی بعد از ردصلاحیت آقای هاشمی حمایت کنیم؛ ایشان کاندیدای نیابتی نبود.

وقتی خودشان قبول ندارند که اصلاح‌طلبان را نمایندگی می‌کنند.

اشکالی ندارد مگر ما کاندیدای اصلاح‌طلبی داشتیم که از آقای روحانی تواناتر باشد.

درباره اینکه تصمیم آن زمان درست بود بحثی ندارم؛ اما آیا الان هم به نظرتان انتخاب نامزد نیابتی منطقی است؟

این توهین است که بگوییم ما کسی را حمایت کرده و رئیس‌جمهور کرده‌ایم و بعد بگوییم نیابتی است. این توهین به رئیس‌جمهور و خودمان است. سیاست عرصه واقعیت‌هاست. ما جمعی از دوستان را داریم که آرمان‌گرا و روشنفکر هستند و می‌توانند مثل معماری باشند که آرزویش را در ساختمان ۵۰۰ طبقه با مصالح سبک و مقاوم می‌بینند. اتفاقا ایده‌های بلند و تولید افکار جدید می‌تواند جهت‌دهنده باشد. اما یک عده مهندس و افرادی هستند که قرار است ساختمانی بسازند که بتوانیم از سرما و گرما در امان باشیم. اینجا باید متناسب با مصالح در دسترس بنا ساخته شود. سیاست عرصه مدیریت‌کردن قدرت با امکانات واقعی است. گاهی می‌توانیم یک کاندیدای برتر داشته باشیم که رأی مردم را داشته باشد و نیازی به ائتلاف با گروه دیگری نباشد که این اولویت ماست؛ اما گاهی ممکن است شرایط طوری محدود باشد که شما با گروه‌های دیگر ائتلاف کنید یا خطراتی باشد که ائتلاف به خاطر دفع خطر باشد. با احترامی که برای بخش روشنفکری اصلاح‌طلبان قائل هستم و معتقدم باید ایده‌پردازی کرده و افکار بلند و راهکار ارائه کنند، اما سیاست‌مداران اصلاح‌طلب نباید هیچ‌گاه خودشان را اسیر آرمان‌های روشنفکرانشان کنند. سیاست‌مدار کسی است که در بدترین شرایط می‌تواند راهی را برای پیشرفت کشور باز کند.

پس معتقدید در ادبیات سیاسی مفهومی به نام کاندیدای نیابتی وجود ندارد؟

بله ممکن است کاندیدای ائتلافی وجود داشته باشد، اما نیابتی نداریم. جبهه اصلاحات یک طیف است نه حزب. اگر هم حزب فرض کنیم، مثال زنده‌اش آمریکاست؛ می‌توانستند به سندرز، خانم هریس یا بایدن برسند. بالاخره فعل و انفعالاتی در درون حزب دموکرات در آمریکا اتفاق افتاده، از سندرز چپ تا بایدن راست. الان جبهه اصلاحات که می‌گوییم، از آقای کرباسچی تا عباس عبدی داریم؛ از کرباسچی تا تاجزاده؛ موسوی‌لاری تا سعید حجاریان. اصلاح‌طلبان الان طیف هستند نه یک تفکر و گروه. کاندیداها می‌توانند از آقای جهانگیری، ظریف، بیطرف و زنگنه شروع شوند و به انتهای سمت راست که آقای عارف است، برسند. حداقل ۱۰، ۱۵ کاندیدا هستند. حالا چند نفر ثبت‌نام می‌کنند، چند نفر را شورای نگهبان تأیید می‌کند، کدامشان رأی‌آوری بیشتری دارند؟ مشخص نیست. این یک ائتلاف درون‌جبهه‌ای است. هیچ‌کدام از این افراد کاندیدای حداکثری همه نیستند. اینها کاندیدای ائتلافی درون‌جبهه‌ای هستند.

ائتلاف درون‌جبهه‌ای با برون‌جبهه‌ای متفاوت است. زمانی صحبت از حمایت کارگزاران از آقای لاریجانی مطرح بود.

گاهی ممکن است شما به نقطه‌ای برسید که در عرصه واقعی کاندیدای ائتلافی درون‌جبهه‌ای نداشته باشید و با جبهه میانی اصولگرایان به ائتلاف برسید. الان چنین صحبتی در عرصه سیاسی ما مطرح نیست. در جبهه میانی اصولگرایان آقای ناطق که به میدان نمی‌آید. ممکن بود اگر ایشان بیاید، خیلی از اصلاح‌طلبان علاقه‌مند به کار با ایشان باشند. اما وقتی به آقای لاریجانی می‌رسیم، سابقه همکاری ایشان با اصلاح‌طلبان طوری نیست که علاقه‌ای به همکاری با ایشان داشته باشند. ضمن اینکه پایگاه رأی ایشان خیلی قوی ارزیابی نمی‌شود. در سیاست، باید سیاست‌مداران اصلاح‌طلب را به واقع‌گرایی توصیه کنیم، روشنفکران اصلاح‌طلب را بگوییم هرچه می‌خواهند آرمان‌ها را طرح کنند، آرمان‌ها می‌تواند منجر به تولید فکر، ایده و افق‌های بازی برای آینده باشد. اما در سیاست آرمان‌گرایی خطاست.

با شما هم‌عقیده‌ام که در سیاست نباید آرمان‌خواه بود؛ اما جاهایی باعث می‌شود به این نقطه برسیم که اصلاح‌طلبی به حداقل‌گرایی بینجامد و به تغییر اقل راضی شویم.

ما هم دلمان نمی‌خواهد، اما شرایط ممکن است به ما این را تحمیل کند. ما در گذشته در مقاطعی امکاناتی داشتیم که قدر ندانستیم «کفاره شراب‌خوری‌های بی‌حساب/ مخمور در میانه رندان نشستن است». مقاطعی سرمایه‌هایی داشتیم که ارزان سوزاندیم.

به نظرتان این ناچار تن‌دادن چقدر نتیجه می‌دهد؟

شخصا فکر می‌کنم سیاست‌مدار حرفه‌ای، در هیچ مقطعی نباید سیاست را تعطیل کند. حتی اگر برسیم به این فرایند که تحریم کنیم (کسی در جبهه اصلاحات طرفدار این کار نیست)، کنش سیاسی نباید تعطیل شود. حتی اگر قرار است تحریم اتفاق بیفتد باید به عنوان کنش سیاسی و موضوع درازمدت باشد و مثلا در مقطعی باید روی یک موضوع تصمیم بگیریم که در انتخابات شرکت نکنیم که این هم باید یک کنش سیاسی باشد. اینکه سیاست‌مدار کنش سیاسی‌اش را کنار بگذارد که شرایط خوب نیست، خب تو هم سیاست‌مدار خوبی نیستی که نتوانستی زمین بازی را تحت تأثیر قرار دهی، پایگاه اجتماعی‌ات ضعیف بوده و مهم نبوده باشی یا نباشی. اگر جناحی داشته باشید که ۵۰،۶۰ درصد مردم ایران به حرف او باشند، مگر می‌تواند یک نظام سیاسی این ۵۰ درصد را لحاظ نکند. وقتی در تهران به سه هزار رأی می‌رسیم، بود و نبودمان یکی است. کنشگری سیاسی را در هیچ مقطعی نباید تعطیل کنیم. همیشه باید در صحنه سیاسی بود. بودن در صحنه سیاسی آینده بسیاری را رقم می‌زند و فقط مربوط به حال نیست.

پس در کنشگری سیاسی مهم است که شما می‌خواهید چه کار کنید. سیاست‌ورزی، مدیریت‌کردن قدرت است. اینکه شما قدرت را برای چه هدفی می‌خواهید، مهم است؛ برای استحکام‌بخشیدن به قدرت خودتان است، دنبال ثروت یا سرکوب مخالفان هستید یا در جهت ائتلای مملکت؟ قدرت، ثروت، علم، حتی تقوا همه کارکرد دوگانه دارند؛ هم می‌توانند بد باشند و هم خوب. از زاویه مدیریت‌کردن قدرت، حتما سیاست‌ورزی حکم می‌کند شما کنشگری سیاسی را تعطیل نکنید.

اما این حفظ قدرت به چه قیمتی باید باشد؟

به هر قیمتی.

الان نهاد اجماع‌ساز شکل گرفته است. به نظر شما چقدر می‌تواند برای گرفتن به قول شما تصمیم ائتلافی مؤثر باشد؟

نهاد اجماع‌ساز یک جلوه از جلوه‌های اصلاح‌طلبی است و همه اصلاح‌طلبی نیست. فراتر از اینکه چه نهادی انتخابات را مدیریت کند، مجموعه‌ای از سیاست‌ها، رایزنی‌ها و سیاست‌ورزی‌ها باید منجر به امکان فعالیت پرحجم اصلاح‌طلبان در انتخابات باشد. به عنوان اولین گام خوب است ولی فراتر از اینکه چه نهادی مدیریت کند، سیاست کلی اصلاح‌طلبان باید برای شرکت در انتخابات باشد، باید بتوانند با رایزنی‌های مفید با مجموعه نهادهای حاکمیتی به کاندیدای مطلوب برسند. قانع‌کردن مردم و آماده‌کردنشان برای حضور در انتخابات هم در این دوره کار سختی است.

و به نظرتان در آخر چه می‌شود؟

مردم ایران مردم تصمیمات نابهنگام هستند. الان اتفاقات سرد است اما می‌توانیم با طرح مسائل واقعی و اولویت‌دادن به مسائلی که مورد توجه مردم است از مردم خواهش کنیم و دستشان را ببوسیم که در انتخابات شرکت کنند.

روزنه

روزهای پایانی بررسی لوایح چهارگانه گروه ویژه اقدام مالی در مجمع

لوایح FATF تصویب خواهند شد؟

● **شرق:** شمارش معکوس برای تصمیم نهایی در رابطه با لوایح FATF آغاز شده است و احتمالا تا قبل از پایان سال، دو لایحه باقی‌مانده از این لوایح چهارگانه تعیین تکلیف خواهند شد. خبرهای رسیده از مجمع تشخیص مصلحت نظام نشان می‌دهد بعد از دو سال بلاتکلیفی بررسی دو لایحه جنجالی از لوایح چهارگانه مربوط به پیش‌شرط‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در کمیسیون مشترک به پایان رسیده است. محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان اینکه درحال‌حاضر و برای تصویبFATF پیشنهاد لازم از کمیسیون‌های مجلس به صحن مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شده، گفته است: فعلا سه، چهار پیشنهاد در رابطه با «FATF» توسط مجلس به مجمع تشخیص ارسال شده که پس از بررسی در نهایت مشخص خواهد شد کدام پیشنهاد رأی خواهد آورد.

تأیید یا رد این لوایح ارتباط مستقیمی با رفع تحریم‌ها و تصمیم آمریکا برای بازگشت به برجام دارد، زیرا رفع تحریم‌ها با باقی‌ماندن ایران در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی جز خودتحریمی نتیجه‌ای ندارد و برای بازگشت به بازارهای جهانی و آغاز مبادلات تجاری و مالی با دنیا نیازمند خروج از لیست سیاه هستیم. از سویی دیگر اصولگرایانی که مخالف سرسخت دولت هستند، تلاش بسیار با بلاتکلیف نگه‌داشتن این لوایح تا روی‌کارآمدن دولت بعدی که از دیدگاه آنان اصولگرا خواهد بود صبر کنند تا اگر قرار بر گشایشی اقتصادی است حتما به نام آنها بخورد و شرایط سخت این روزهای مردم فعلا اهمیتی برایشان ندارد.

این وقت‌کشی‌ها در حالی رخ می‌دهد که علی ربیعی، سخنگوی دولت، نوشته است که حتی همسایگانی که شرکای اقتصادی ما هستند و قصد مشارکت در تحریم‌ها را هم ندارند، به علت تبعات «FATF» حاضر به همکاری صریح و روشن نیستند و هزینه مبادله برای ایران بسیار بیش از حد معمول شده است.

عبدالناصر همتی نیز از پاسخ به سؤال‌های مجمع درباره این لوایح گفته و افزوده است: درخصوص لوایح «پالرمو» و «سی‌اف‌تی» دلایل و ضرورت‌های تصویب این کنوانسیون‌ها را در مجمع تشخیص عنوان کردیم. تصویب این لوایح به نفع کشور است؛ منتظر تصمیم مجمع می‌مانیم. همه سؤالات مجمع تشخیص را پاسخ دادیم، فضای مجمع را منفی ندیدم. ان‌شاءالله مجمع تصمیم خوبی بگیرد. این موضوع، جزء ضرورت‌های بانکی است و تصمیم‌گیری برای آن خیلی هم دیر شده است.

واعظی، مسئول دفتر رئیس‌جمهور هم با ارائه توضیحاتی درباره نشست مجمع تشخیص با نمایندگان دولت درباره دو لایحه پالرمو و سی‌اف‌تی، تأکید کرد: «مسئله پالرمو و سی‌اف‌تی در دنیا به‌عنوان یک روال عادی مطرح است و امروز هم به غیر چند کشور تمام کشورهای دنیا به این مسئله پیوسته‌اند؛ بنابراین ما خودمان را بخواهیم منزوی کنیم کار درستی نیست». واعظی گفته: «ما آن‌قدر این موضوع را مسئله مهمی برای آینده روابط خارجی و بانکی می‌دانیم که حاضریم همه‌جوره وقت بگذاریم و همکاری و روشنگری کنیم تا زودتر مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصمیم برسد و امیدواریم تصمیمی باشد که با توجه به شرایطی که امروز وجود دارد، به اقتصاد کشور کمک کنند. الان همه مردم فهمیدند که دولت لوایح FATF را تصویب و مجلس دهم هم آن مصوب کرده است و از شورای نگهبان هم عبور کرده و امروز در مجمع تشخیص مصلحت نظام است. امروز چشم همه مردم به مجمع تشخیص است تا تصمیمی بگیرد که بعدها اگر مشکلی پیش آمد خودش پاسخ‌گو باشد».

دولتی‌ها آخرین تلاش‌های خود را به کار بسته‌اند تا شاید گره از کار این لوایح باز شود اما فعلا خبری از تغییر نظر مخالفان سنتی این لوایح نیست، زیرا تمایلی برای شنیدن و قانع‌شدن ندارند و بدون ارائه دلیل و توضیحی قانع‌کننده بر مواضع مخالف خود اصرار دارند. در همین راستا بسیج دانشجویی هشت دانشگاه در نامه‌ای از رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستند در جهت حفظ منافع کشور و مردم گامی مؤثر در رد پیوستن به FATF برداشته و ریل‌گذاری مناسبی برای تقویت بنیه اقتصادی با تکیه بر توان داخل انجام دهد؛ بنابراین سرنوشت این لوایح همچنان با منافع حزبی و گروهی گره خورده و همین امر مانع از دیدن منافع ملی شده است. از یک سو مخالفان دولت نمی‌خواهند گشایشی اقتصادی رخ دهد، از سویی کاسبان تحریم دل در گرو ادامه تحریم‌ها دارند و از هر گشایش و شفافیت تجاری گریزان اند و به مخالفت با آن می‌پردازند.

روند بررسیFATF روندی نزدیک به ۱۳ سال را طی کرده است که در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود و اگر به‌زودی تکلیف آنها مشخص شود و رأی مجمع مثبت باشد، حداقل کشورهای دوست و همسایه ایران می‌توانند به مراودات تجاری خود با ایران ادامه دهند وگرنه شرایط اقتصاد ایران از آنچه در سه سال اخیر تجربه کرده سخت‌تر خواهد شد و حتی روسیه و چین هم قادر به حفظ روابط تجاری و مالی خود با ایران نخواهند بود.

آگهی دعوت از شرکاء شرکت کیمیا درمان نیکان غرب با مسولیت محدود
شماره ثبت ۴۷۸۸۷۲ شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۱۹۲۸۷
بدینوسیله از کلیه شرکا شرکت دعوت میگردد تا درجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۲۰/۱۲/۹۹ ساعت ۸ صبح درمحل قانونی شرکت تشکیل میگردد حضور به همرسانند.
دستور جلسه :
۱ـ تعیین وضعیت حق امضا واصلاح ماده ۱۴ اساسنامه
۲ـ سایرمواردیکه درصلاحیت مجمع باشد
هیات مدیره شرکت

آگهی دعوت از شرکاء شرکت کیمیا درمان نیکان غرب بامسولیت محدود
شماره ثبت ۴۷۸۸۷۲ شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۱۹۲۸۷
بدینوسیله از کلیه شرکا شرکت دعوت میگردد تا درجلسه مجمع عمومی عادی بطورفوق العاده مورخ ۲۰/۱۲/۹۹ ساعت ۱۰ صبح درمحل قانونی شرکت تشکیل میگردد حضور بهمرسانند.
دستور جلسه :
۱ـ انتخاب اعضا هیات مدیره
۲ـ سایرمواردیکه درصلاحیت مجمع باشد
هیات مدیره شرکت

آگهی دعوت از شرکاء شرکت کیمیا درمان نیکان غرب بامسولیت محدود
شماره ثبت ۴۷۸۸۷۲ شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۱۹۲۸۷
بدینوسیله از کلیه شرکا شرکت دعوت میگردد تا درجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۲۱/۱۲/۹۹ ساعت ۱۰ صبح درمحل قانونی شرکت تشکیل میگردد حضور بهمرسانند.
دستور جلسه :
۱ـ افزایش سرمایه و ورود شریک جدید
۲ـ سایرمواردیکه درصلاحیت مجمع باشد
هیات مدیره شرکت

آگهی دعوت از شرکاء شرکت کیمیا درمان نیکان غرب بامسولیت محدود
شماره ثبت ۴۷۸۸۷۲ شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۱۹۲۸۷
بدینوسیله از کلیه شرکا شرکت دعوت میگردد تا درجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۲۰/۱۲/۹۹ ساعت ۱۸ بعدازظهر درمحل قانونی شرکت تشکیل میگردد حضور بهمرسانند.
دستور جلسه :
۱ـ کاهش سرمایه و خروج شریک
۲ـ سایرمواردیکه درصلاحیت مجمع باشد
هیات مدیره شرکت

سازمان امور مالیاتی کشور
آگهی اخطار
آقای رضا عباسی(۲۹۳۱۲۳۲۵۵۷۲)
کارمند: امور مالیاتی شهر واستان تهران
نظر به اینکه در اجرای رای شماره ۲/۹۹/۹۵۵هب مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ صادره از شعبه دوم هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری سازمان متبوع به مجازات((اخراج از دستگاه متبوع))محکوم شده اید. بدینوسیله مفاد رای مزبور به شما ابلاغ می گردد. ضمنا رای مذکورقابل تجدید نظر میباشد و در صورت اعتراض حداکثر ظرف مدت ۳۰روز پس از نشر آگهی اعتراض خود را به تهران ،میدان امام خمینی(ره)خیابان داور سازمان امور مالیاتی کشور اداره کل منابع انسانی و رفاه(امور قضایی)تسلیم نمایید،در غیر اینصورت به استناد تبصره ۱ماده۴قانون رسیدگی به تخلفات اداری این رای از تاریخ انقضاء مهلت مذکور لازم الاجرا میباشد.
م الف۴۰۷۵